

بررسی عوامل گسترش فقر چندبُعدی و تاثیر آن بر آینده کودکانی که در خانواده‌های ناب‌خوردار متولد می‌شوند

۳۸ درصد کودکان ایران زیر خط فقر

حدود ۲۳ میلیون نفر در فضاهایی زندگی می‌کنند که می‌توان آن‌ها را «تله‌های فضایی فقر شهری» نامید

نسیم سلطان‌بیگی

خبرنگار گروه جامعه

کودکانی که در چرخه خشونت زاده می‌شوند، در بزرگسالی همان خشونت را بازتولید می‌کنند. این را حالا دیگر سال‌هاست که جامعه‌شناسان، فعالان حقوق کودکان و حتی سیاست‌گذاران اجتماعی، هر جا که بشود، یادآوری می‌کنند. تولد کودکان در خانواده‌های ناب‌خوردار و حاشیه‌نشین و نوع زیست و چالش‌هایی که در آینده با آنها روبه‌رو می‌شوند، در سال‌های گذشته، موضوع مطالعات اجتماعی مختلفی بوده. این مطالعات نشان می‌دهند کودکان بخش مهمی از جمعیت و عاملان اجتماعی‌اند که نقطه عطف تغییرات اجتماعی آینده است، اما سیاست‌گذاری‌هایی که پیوندهایشان با الگوهای توسعه را از دست داده‌اند، منجر به افزایش فقر و حاشیه‌نشینی شدند که در نتیجه آن کودکان در خانواده‌های ناب‌خوردار یا کم‌پر خوردار متولد می‌شوند و رشد می‌کنند. اختلاف طبقاتی که هر روز بیشتر می‌شود، عدالت را هدف گرفته و محرومیت‌های بیشتری را سبب می‌شود که در نهایت می‌تواند سازنده اعتراض‌های اجتماعی باشد. پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد که با ادامه روند فعلی، در سال‌های آینده شاهد افزایش ۱۰ میلیونی جمعیت حاشیه‌نشین خواهیم بود و به‌باور کمال اطهاری، پژوهشگر اقتصاد و توسعه، خروج از این وضعیت نیازمند پیوند میان گروه‌های اجتماعی مختلف، کاهش نابرابری‌های جنسیتی، افزایش اشتغال و در یک کلام، شکل‌گیری «دولت رفاه توسعه‌بخش» است؛ دولتی که برای محقق‌شدن، نیازمند خروج از انزوا و مقابله با رانت است و به گفته او، گام برداشتن در این مسیر تا امروز از سوی دولت‌ها با غفلت روبه‌رو شده است. مهتاب حاجی محمدی، عضوانجمن علمی مطالعات صلح ایران هم که همراه با کمال اطهاری در نشست به‌بهانه روز جهانی خانواده درباره آینده کودکان در خانواده‌های ناب‌خوردار صحبت کرده، بر این باور است که کودکان فاقد علمیت، نیازمند حمایت و تربیت‌اند و تحت‌تاثیر وضعیت خانواده خود قرار می‌گیرند:

«در تعریف کنوانسیون کودک یونسف کودک زیر ۱۸ سال تعریف می‌شود، اما دلالت مفهوم کودکی به مناسبات خانواده‌ها و گذار می‌شود. ما در محیط‌ها و فضاهای اجتماعی با کودکانی مواجه‌ایم که در خانواده‌های کم‌پر خوردار در حومه شهر زندگی می‌کنند، حاشیه‌نشین‌اند و در روستاها پراکنده هستند. دوران کودکی آنها بسیار زود به پایان می‌رسد و پس از ۶ سالگی به‌عنوان یک بزرگسال در نظر گرفته می‌شوند. در حالی که در جوامع توسعه‌یافته و شهرهای صنعتی و بزرگ، کودکی تا ۲۰ سال هم ادامه پیدا می‌کند.» او معتقد است، این مسئله اختلاف طبقاتی جدی در کودکان ایجاد می‌کند. حاجی محمدی خانواده را دارای سه کارکرد اصلی می‌داند: «یکی از آنها تغذیه‌کنندگی است که هم جنبه جسمی، هم روانشناختی دارد. تغذیه جسمی شامل آب و غذای سالم و امنیت بدنی است و تغذیه روانشناختی به احساس حرمت، امنیت و اطمینان در خانواده برمی‌گردد. خانواده باید بتواند از اعضای خودش محافظت بکند. بخش سوم، آرامش بخشی و التیام است که اگر رنجی برای اعضای خانواده به‌ویژه کودکان اتفاق می‌افتد، بتواند التیام‌بخش باشد. این امر نیازمند گفت‌وگو و مؤثر داشتن است. این گفت‌وگو در خانواده‌ای شکل می‌گیرد که دغدغه‌مندی‌اش بحث اقتصادی و سرپناه نباشد، خانواده ناب‌خوردار یا کم‌پر خوردار نمی‌تواند کودکان خوبی را پرورش دهد و کودکان در انواع و اقسام رنج‌ها گرفتار می‌شوند.» او معتقد است، کودکان خانواده ناب‌خوردار با چالش‌های جدی مواجه‌اند که مسیر رشد و شکوفایی آنها را محدود می‌کند: «محدودیت‌ها تنها اقتصادی نیست. در این شرایط فقر فراتر می‌رود و در اثر ساختارهای سیاسی و اجتماعی کشور، محرومیت بیشتری اتفاق می‌افتد و

افراد ناب‌خوردار نمی‌توانند به امکانات رفاهی حداقلی دسترسی داشته باشند.» به گفته حاجی محمدی، کمبود سرمایه‌های اقتصادی، فرهنگی و نمادین سبب می‌شود کودکان نتوانند از فرصت‌های برابر بهره‌مند شوند و فاصله طبقاتی با رشد فقر و تورم زیاد می‌شود. نبود صلح اجتماعی، مدارا و عدالت در جامعه را از بین می‌برد و باعث می‌شود کودکانی که در این خانواده‌ها متولد می‌شوند در چرخه فقر گرفتار شوند که خروج از آن بسیار مشکل است: «افرادی که در طبقات زیرین جامعه زندگی می‌کنند، نمی‌توانند با گروه بالاتر از خودش تعامل اجتماعی خوبی داشته باشند و به همین دلیل اعتراض‌ها شکل می‌گیرد.» او فقر کودکان را وابسته به عوامل متعددی مانند رشد پایین اقتصادی و نابرابری توزیع درآمد، نبود بهداشت و درمان کافی، نابرابری جنسیتی، عوامل جمعیتی، تحصیلات والدین، مهاجرت، فرسایش خانوار، بیماری‌های مزمن و معلولیت‌های کودکان، فشار روانی و افزایش اختلالات رفتاری در آنها می‌داند که در نهایت به انزوا، محرومیت و انواع خشونت می‌انجامد: «این موارد، رشد روانی و جسمانی و تعاملات فردی و بین‌فردی کودکان در جامعه ناب‌خوردار متأثر از این عوامل است. اگر این موارد را در خانواده‌ها بسنجیم کودکانی را می‌بینیم که مورد خشونت والدین در همین خانواده‌ها قرار می‌گیرند. برخی به دلیل خانواده محروم از مدرسه جا می‌مانند یا به دلیل فقر فرهنگی و اقتصادی و کمبود سرمایه‌های اقتصادی مؤثر، در سنین پایین دختران مجبور به ازدواج می‌شوند و در برخی موارد مانند کالا خرید و فروش می‌شوند. از سوی دیگر، گاهی آنها به سبب خشونت می‌بینند از خانه فراری می‌شوند.» حاجی محمدی با اشاره به کودکان بدسرپرست و کودکان طلاق می‌گوید: «کودکان کار و خیابان نیز در همین دسته قرار دارند. همه این کودکان انواع محرومیت‌های آموزشی، اقتصادی، بهداشتی، فرهنگی و اجتماعی را تحمل می‌کنند و با آسیب‌های جدی روحی، روانی و جسمی مواجه‌اند. در چرخه باطل این محرومیت دور می‌زنند و هزینه این آسیب‌ها بر دوش جامعه‌ای است که خانواده ناب‌خوردار دارد و ما شاهد بازتولید سلبی و منفی این موارد هستیم.» فقر، نداشتن سلامت جسمی، سرپناه، زندگی خوب و مشکلات عاطفی سبب می‌شود کودکان روابط مثبتی با والدین خود نداشته باشند و این روابط منفی را می‌توان در تعامل با آنها منوجه شد. حاجی محمدی این را همان فقر چندبعدی و چندگانه می‌داند: «مرگومیر کودکان در سنین پایین، نقص عضوها، سوءتغذیه‌ها، مشکلات روانی، مختل شدن عملکرد مغز، ارتکاب خشونت، فروش کودک و نوزاد همگی عواقب و پیامدهای همین موضوع است که بیشتر در حومه شهر و در مناطق پایین شهر اتفاق می‌افتد. خانواده‌های مهاجر شانس ناب‌خورداری را به کودکان می‌دهند و فقر افزایش پیدا می‌کند و کشورهای کمتر توسعه‌یافته، کانون‌هایی برای این کودکان است.» رشد اعتیاد و رفتارهای مجرمانه میان والدین نیز مسئله دیگری است که او به آن اشاره می‌کند: «ماتی که کودک طولانی مدت با والدین محروم در تماس است، خطر ابتلا به انواع خشونت را دارد. خشونت جسمی، جنسی، فیزیکی، کلامی و رفتاری. همه این موارد برای کودکان رخ می‌دهد و این چرخه پس از بزرگسالی آنها برای خانواده خودشان هم ادامه پیدا می‌کند. باتوجه به همه این دلایل، باید روی این کودکان برای توسعه انسانی سرمایه‌گذاری کنیم. با این شیوه است که می‌توان چرخه معیوب را شکست، باید فقر و کمبودهای والدین را پیدا و نیازسنجی کنیم و در نهایت کودکان را وارد خانواده‌های اصلاح‌شده کنیم.» او چشم‌انداز اجتماعی جامعه مدنی را حرکت به سوی صلح مثبت و عدالت اجتماعی می‌داند و در توضیح صلح مثبت می‌گوید: «صلح مثبت، ایجابی است و تعاملاتی در آن وجود دارد. توانمندسازی کودکان از طریق سرمایه‌گذاری در آموزش، احترام، روابط اجتماعی سالم، سلامت، دیده‌شدن در جامعه و حمایت اجتماعی، سبب تولید سرمایه‌نمادین برای کودکان و خانواده‌ها می‌شود.» حاجی محمدی تنها راه حل کاهش نرخ فقر چندبعدی را پیمودن همین مسیر می‌داند.

نابرابری‌های زبانی، ابزاری و آموزشی



جامعه‌مدنی در تلاش است تا در جامعه توانمندسازی انجام دهد اما کمال اطهاری، پژوهشگر اقتصاد و توسعه بر این باور است که به دلیل مقطعی بودن این فعالیت‌ها، جامعه در نهایت به توانمندسازی نمی‌رسد. او در توضیح بیشتر در این باره به «هم‌میهن» می‌گوید: «اتواناسازی، امری اجتماعی است و باید توسط جامعه مدنی به عنوان گروه‌های مرجع انجام شود. انجمن‌ها به عنوان فعالان مدنی و گروه‌های مرجع مطالبات اجتماعی باید در سیاست‌گذاری‌های اجتماعی فعالیت کنند. مسئله جدی ما پیوند ندان الگوهای توسعه با سیاست‌گذاری‌های اجتماعی است.» او معتقد است، انجمن‌ها مجبور به مقابله با تعداد زیادی از بزهدکاری‌ها و پیامدهایی هستند که پس‌افاجعه است: «در حالی که آنها باید به عنوان



پیگیری قضایی پرونده شهادت محیط‌بان گلستانی

منوچهر فلاحی، معاون یگان حفاظت محیط‌زیست با اشاره به روند رسیدگی به پرونده شهادت محیط‌بان گلستانی، کاظم مصدق، از شناسایی قطعی دو متهم و پیگیری کامل موضوع توسط بخش حقوقی سازمان محیط‌زیست خبر داد. کاظم مصدق، محیط‌بان گلستانی شنبه شب (۶ اردیبهشت‌ماه) در پارک ملی گلستان (منطقه کویلر) به دست متخلفان و با شلیک آنان جان خود را از دست داد و ۸ اردیبهشت‌ماه در گرگان به خاک سپرده شد. یگان حفاظت محیط‌زیست پیش‌تر گفته بود که پیگیری برای دستگیری متهمان به قتل او، از لحظات اولیه آغاز شد و چندی پس از آن، دستگیری دو نفر در این رابطه به‌صورت رسمی اعلام شد. به گزارش ایستنا، او درباره آخرین اقدامات برای رسیدگی به پرونده محیط‌بان گلستانی گفت: «در حال حاضر پرونده به مرحله‌ای رسیده که بررسی‌های تخصصی از جمله بررسی سلاح مورد استفاده، توسط بخش‌های مربوط در فراجا در حال انجام است. مشخص شده، دو نفری که دستگیر شده‌اند، همان افرادی هستند که به محیط‌بان شلیک کرده‌اند.»



هشدار وزیر به مدیران مدارس

دانش‌آموزان پایه‌های دوازدهم و یازدهم باید کارت ورود به جلسه امتحانات نهایی را از مدرسه محل تحصیل خود دریافت کنند. همچنین مواردی همچون، تبادل پاسخ‌نامه یا یادداشت در جلسه امتحان نیز از مصادیق تخلف است. علیرضا کاظمی، وزیر آموزش و پرورش، با تأکید بر آمادگی کامل حوزه‌های امتحانی گفت: «مدیران مدارس موظف‌اند تمهیدات لازم را برای جلوگیری از قطعی برق و برقراری ارتباط پایدار اینترنت در حوزه‌ها فراهم کنند. هیچ دانش‌آموزی نباید به دلیل نداشتن کارت آزمون یا کارت شناسایی از شرکت در جلسه امتحان محروم شود.» همچنین دانش‌آموزان باید توجه داشته باشند که همراه داشتن تلفن همراه، ساعت هوشمند، کتاب، جزوه، یادداشت، وسایل الکترونیکی ارتباطی یا هرگونه نوشته در جلسه امتحان، تخلف محسوب می‌شود. مواردی چون ردوبدل کردن یادداشت یا خارج کردن پاسخ‌نامه نیز از مصادیق تخلف امتحانی به‌شمار می‌رود.



۴۰ هزار ساختمان بسیار پرخطر در تهران

رئیس کمیته عمران شورای اسلامی شهر تهران از فرسودگی ۲۰ تا ۳۰ درصدی ساختمان‌های پایتخت خبر داد و گفت، از این میزان ۴۰ هزار ساختمان بسیار پرخطر هستند که این ساختمان‌ها شناسایی و اخطارهای لازم نیز داده شده است و از خرید و فروش آن‌ها جلوگیری خواهد شد. محمدآقامیری درباره روند شناسایی و تعمیر ساختمان‌های فرسوده شهر تهران گفت: «اقداماتی ویژه برای ساختمان‌های نایبم انجام دادیم. خاصه برای ساختمان‌های دولتی و خدمت‌رسان و نیز مراکز اداری و تجاری که ترد بسیاری در آن صورت می‌گیرد.» او با اشاره به ورود دادستانی و اعمال قانون برای ساختمان‌های نایبم ادامه داد: «شمار این ساختمان‌ها به ۶۷ ملک رسیده که در صدر صف خطر آن‌ها هستیم. پس از ریزش چند ساختمان، حساسیت‌ها بیشتر شد، دادستانی هم به میدان آمد و اقدام به رفع خطر کردیم.»

